

## کمونیسم چیست

حامد خاکی

Email : hkhaki50@yahoo.com

دوست جوانی از تهران با من تماس و مکاتبه دارد. بحث مشخصی را با من آغاز کرده و سوالاتی از من کرده بود که من به آنها جوابهایی داده‌ام. بعد از نامه دومی که در این رابطه مشخص ردوبدل شد به نظرم رسید این نامه‌ها را زیر این تیتر انتشار دهم به همین خاطر با این تغییرات که مسائل خصوصی را نقطه چین گذاشتم و عین نامه‌های خودم را در اینجا آورده‌ام.

دوست عزیز سلام! آرزوی سلامتیت را دارم

..... و اما در مورد دو سوالی که طرح کرده بودی (کمونیسم و سکولاریسم) من سعی می‌کنم حداقل امکان به آنها پاسخ بدهم. ....

### کمونیسم چیست؟

تاریخ تمام جوامع بشری عبارت است از تضاد و تقابل طبقاتی، از زمانی که مالکیت خصوصی و در نتیجه طبقات متخاصم اجتماعی پدید آمدند. همواره جنگ و تضاد طبقات اصلی جامعه در جریان بوده، تضادی که همیشه مسیر تاریخ را تعیین می‌کند و تمام مسائل جامعه بشری به این تضاد و حل آن و توازن قوای طبقات ربط دارد.

با نگاهی ساده به تاریخ بشری اولین تصویری که در همان وحله اول نیز به نظر می‌رسد چیزی شبیه این است؛ در زمان برده‌داری تضاد اصلی میان برده و برده‌دار بوده و نتیجه تخاصم این دو طبقه به سیستم فئودالی منجر شد و از دل جامعه برده‌داری این سیستم نوین با مختصات خاص خود سربرآورد، و این بار تضاد اصلی میان فئودال و رعیت به تولد سرمایه‌داری انجامید، در تمام این تاریخ پر پیچ و تاب و مملو از مقاطع گوناگون همواره مفاهیمی جای دارند و با سیر زندگی بشر آمده‌اند و به نوعی اینها بوده‌اند که

به بشر امید به زیستن و حیات را داده‌اند، امید به تغییر و تحقق آزادی و رفاه و برابری از ارکان تفکیک ناپذیر جوامع بشری بوده‌اند. و قبل از هر تعریفی کلاسیک و آکادمیک و قبل از هر نوع ردیف کردن مختصات و مولفه‌های گوناگون \_کمونیسم\_ آن جریانی است که در عصر حاضر و در دوران سرمایه‌داری پرچم تحقق رفاه و برابری و آزادی واقعی را برداشته و برای تحقق آنها مبارزه می‌کند. در پروسه این تاریخ پر پیچ و خم تبیینهای مختلفی از آزادی و رفاه وجود داشته، برده اسیر تمام افقش لغو برده‌داری بود، تنها رفاه و آزادی را در لغو برده‌داری می‌دید، رعیت استثمار شده تنها آزادی و رفاه و برابری را در لغو فئودالی می‌دید و برای اینها منشا این مصیبتها و این وضعیت نابرابر و پر از اجحافات قابل تصور دقیق نبود و راه حل اساسیش را نیز بالطبع سراغ نداشتند. اما کارگر به عنوان طبقه زیردست دوران سرمایه‌داری نیز آرمان برابری و آزادی و نجات از این وضعیت نابرابر را دارد. و بالطبع از همان زمان پیدایشش به عنوان یک طبقه برای خلاصی از این وضعیت مبارزه نموده و به طرق گوناگون سعی کرده به این وضعیت نابرابر پایان دهد، و این مبارزات با یا بدون وجود کمونیسم و مارکسیسم وجود داشته و وجود خواهد داشت اما گرایش در میان این طبقه که افق روشن و راه حل نهایی کلیت بشریت را سراغ دارد کمونیسم نام دارد، کمونیستها صفی از طبقه کارگرند که خواستار لغو مالکیت خصوصی و محو طبقات هستند، می‌خواهند تمام ابزارهای تولید اجتماعی شود و کنترل جامعه به طور مستقیم و بلاواسطه به دست مردم بیافتد. خواستار تحقق نظامی هستند که در آن کار قید و بند نیست بلکه فعالیتی آگاهانه است که بنا به علاقه و به اندازه توان و بدون هیچ اجباری برای تامین نیاز جامعه و رشد استعدادها صورت می‌گیرد.

خارج از اینکه کمونیسم را به عنوان ایده، مکتب، یا هر عنوان دیگری تعریف کنند کمونیسم جنبشی است که اینها اهدافش است، و می‌داند که رهایی بشریت در گرو لغو مالکیت خصوصی و محو طبقات اجتماعی است، می‌خواهد همه انسانها برابر زندگی کنند و همه امکان استفاده و دسترسی به امکانات جامعه را داشته باشند.

مبارزه این بار طبقه استثمار شده این تمایز اصلی با دورانهای پیشین را دارد که این بار طبقه کارگر به رهبری گرایش کمونیسم درون این طبقه برای همیشه به وجود طبقات و نابرابریها پایان می‌دهند. و به طور واقعی تمام مظالم موجود دنیای معاصر از وجود مناسبات بورژوایی تولید است و تا زمانی که مالکیت خصوصی وجود داشته باشد این مصائب بشر وجود خواهد داشت، به همین اعتبار کمونیسم جنبشی است انسانگرایانه که رهایی تمام بشریت در گرو به قدرت رسیدن آن است.

## سکولاریسم

سکولاریسم به عنوان مفهومی که از انقلاب فرانسه گرفته شده به نوعی از حکومت اطلاق می شود که نه مذهبی و نه ملی نیست تقسیم بندی انسانها بر مبنای جنسیت یا ملیت یا مذهب یا نژاد صورت نمی گیرد، آزادی عقیده و بیان و مذهب یا لامذهبی در آن وجود دارد، هیچ ارگان یا منسب یا مرجعی حق ندارد به خاطر جنسیت انسان او را محروم یا از کاری باز دارد، هیچ مرجعی حق ندارد به خاطر داشتن یا نداشتن مذهب کسی را بازخواست کند، تمام افراد جامعه حق دارند برای عقاید و افکار خود تبلیغ کنند و فعالیت سیاسی هیچ کس را هیچ مرجعی با هیچ توجیهی نمی تواند محدود و یا ممنوع کند.

در تمام وجوه گوناگون این دو مقوله می تواند سوالات و مسائلی برای بحث و جدل و تبادل نظر وجود داشته باشد. من اینجا خیلی خلاصه سعی کردم تعریفهایی از این دو مقوله برایت بنویسم ، قطعاً اگر لازم باشد در هر موردی حتی در رابطه با این دو مقوله می توان بحث و تبادل نظرهای فراوانی کرد. امیدوارم همین توضیحات کوتاه من مبنای خوبی برای بحثهای آینده مان باشد. ....

## با آرزوی موفقیت برایت قربانت حامد خاکی

### نامه دوم

دوست عزیزم سلام امیدوارم سلامت و سرحال باشی!

نامه ات را دریافت کردم، .....

اما در مورد بحث تو راجع به حکومت کمونیستی، حکومتی که ما به آن جمهوری سوسیالیستی اطلاق می کنیم.

اولاً لازم است که بدواً این نکته را یادآوری کنم که در حال حاضر هیچ کشوری در دنیا دارای حکومت کمونیستی یا سوسیالیستی نیست، صرفنظر از اینکه هر حکومت و دولت و حتی جریان و حزبی خود را چه بنامد ملاکها و معیارهایی برای شناخت و یا دسته بندی وجود دارد، که به طور مشخص در مورد کشورها

و سیستمهای سرمایه داری و سوسیالیستی من تیتروار مولفه‌هایی را یادآور می‌شوم؛  
مهمترین وجه تمایز سیستمهای اجتماعی-اقتصادی روابط تولیدی حاکم بر اقتصاد است. در اقتصاد سرمایه داری انسانهای زیادی به عنوان کارگر کار می‌کنند و در ازای این کار مزد دریافت می‌کنند و همان نیروی کار کارگر نیز به کالایی تبدیل می‌شود که باید از فروشش زندگیش را تامین کند، اما اقلیت کمی هم که وسائل تولید را در تصاحب و تملک خود گرفته‌اند بدون اینکه هیچ کاری انجام دهند سود کلانی به دست می‌آورند و مدام بر حجم سرمایه‌شان افزوده می‌شود بی‌مناسبت نمی‌دانم که اینجا خیلی کوتاه یک نکته را یادآور شوم و آن این است که در پس این روابط ظاهراً عادلانه که کارگر آزادانه و بدون هیچ اجباری خود به این معامله تن در می‌دهد و دو طرف معامله هردو در تولید سهمی ارائه می‌دهند یک طرف نیروی کارش و یک طرف سرمایه‌اش، این واقعیات را باید دید که اولاً در جریان تولید آن چیزی که سودآور است نیروی کار کارگر است نه سرمایه سرمایه‌دار زیرا اگر به کل پروسه تولید نگاه کنی تمام سرمایه‌ای که سرمایه‌دار گذاشته به دستش می‌آید و کالایی که از مواد خام تغییر یافته و به کالایی برای ورود به بازار تبدیل شده اضافه قیمتی که به آن افزوده شده همان حاصل کار کارگر است و علی‌القاعده باید پس از کم کردن سرمایه پیش ریخته و قیمت مواد خام تمام سود حاصله به کارگر تعلق بگیرد، اما برعکس بخش ناچیزی به آن تعلق می‌گیرد یعنی قیمت نیروی کاری که فروخته، دوماً کارگر نه بنا به خواست خود بلکه از جبر زندگی است که تن به همچین معامله نابرابری می‌دهد، صورت مساله خیلی به سادگی این است که در این جامعه اگر کارگر کار نکند باید گرسنه بماند. اگر به این واقعیات البته کمی دقیق‌تر و مفصل‌تر بپردازیم به روشنی متوجه این مساله خواهیم شد، اما این تمام قضیه نیست و تا اینجا ظاهراً نابرابری در تقسیم سود به دست آمده است، در حالی که ما کمونیست‌ها می‌گوییم مساله در شیوه تولید و مالکیت ابزار تولید است. و رای این انتزاع ساده این مساله قرار دارد که با تغییر در توزیع، نابرابری از بین نمی‌رود؛ حل این نابرابری دست بردن به منشا اصلی این سیستم است، اصل مساله این است که وسائل تولیدی در جامعه در دست افراد معدودی قرار دارد و باید این وسائل تولید و ثروت جامعه در دست تمام مردم باشد، به این معنی که این ثروتها و این وسائل تولیدی باید اجتماعی شوند و کلیت جامعه از طریق شوراهای منتخب خود کنترل وسائل تولید را در دست داشته باشند. در این صورت هیچ کس در برابر کار روزانه خود مزد دریافت نمی‌کند بلکه از یک طرف به جهت نیاز جامعه به کار او و از طرف دیگر بنا به علاقه و خواست خود و برای رشد استعدادهای خود به هر میزان که بتواند و در هر رشته‌ای که بخواهد کار می‌کند و در مقابل جامعه در برابر تمام انسانها اعم از بیکار و شاغل مسئول است که مایحتاج آنها را برآورد نماید. این یک جامعه کمونیستی یا به عبارتی سیستم کمونیستی است. من به عنوان مهمترین

مولفه در سیستم سرمایه‌داری و کمونیستی دو شعار و اصل اساسی و این سیستمها را در دو جمله می‌آورم؛ در جامعه سرمایه‌داری این قانون آهنین و تخطی ناپذیر این سیستم است که هرکس کار نکند از گرسنگی می‌میرد و همه به استثنای آن تعداد معدود که سرمایه‌ای دارند ملزمند روزانه نیروی کار خود اعم از یدی یا فکری را بفروشند.... اما در جامعه کمونیستی یک اصل اساسی وجود دارد که می‌گوید از هرکس به اندازه توانش، به هرکس به اندازه نیازش.

منظور از این مقدمه کوتاه این بود که بگوییم؛ تا زمانی که فروش نیروی کار وجود داشته باشد و سیستم کارمزدی وجود داشته باشد و تا زمانی که پول وجود داشته باشد و تولید نه برای استفاده بلکه برای فروش باشد. سرمایه‌داری حاکم است و این سیستم چیزی جز سرمایه‌داری نیست، حال سرمایه‌دار یک مشت آدم به ظاهر عادی باشند یا دولت باشد.

بنابراین در کشور چین آنچه وجود دارد نه کمونیسم بلکه سرمایه‌داری دولتی است، که تدریجا دارد خصوصی هم می‌شود به این معنی که سرمایه‌های متمرکز در دست دولت را به افراد می‌فروشند، به هر حال اصل مساله این است که در این کشور هیچ وقت نظام کارمزدی لغو نشد، مالکیت خصوصی لغو نشد، وسایل تولید اجتماعی نشد، و از اصلی‌ترین حکم اقتصادی کمونیستها هیچ خبری نبوده. این از تناقض اقتصادی چین با کمونیسم.

در حکومت کمونیستی همچنان که در بالا اشاره کردم اداره جامعه به دست شوراهای منتخب مردم می‌افتد، بالاترین ارگان حکومتی کنگره سراسری شوراها است و کل افراد بالای ۱۶ سال بلااستثنا می‌توانند در سرنوشت جامعه دخیل باشند کلیه افراد به طور اتوماتیک عضو شورای محل محسوب می‌شوند و به همین اعتبار می‌توانند برای هر پستی که بخواهند از شورای محل گرفته تا کنگره سراسری شوراها بدون هیچ محدودیتی کاندید شوند و همه این افراد آزادانه می‌توانند برای انتخاب هر سمت و منسب‌ی رای بدهند، هر فرد منتخب شده به شرط خواست مردم در هر زمان قابل عزل است، و همه افراد در هر پست و مقامی ملزم به جوابگویی به مردم هستند.

در یک چنین سیستم سیاسی کلیه مردم در تمام تصمیم‌گیرهای جامعه بدون واسطه و مستقیم می‌توانند دخیل باشند.

اما در کشور چین و امثالهم کدامیک از این قوانین وجود دارد، با هر معیار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بخواهی کشورهای چین، شوروی سابق، کوبا و غیره را بسنجی به این نتیجه واقعی می‌رسی که هیچ کدام از اینها سروسوزنی ربطی به کمونیسم نداشته و ندارند. در این کشورها با نام کمونیسم جنبشهایی وجود داشته و توانسته‌اند به قدرت برسند (اگرچه همه را با یک چوب نمی‌توان راند و شوروی داستان جداگانه‌ای دارد که

من اینجا به آن نمی پردازم) مشخصا در چین جریان ضد استعماری مائو و طرفدارانش توانستند به قدرت برسند و حکومت کنند اما هیچ زمان ، نه حالا و نه در گذشته، هیچ کدام از تغییرات مورد نظر کمونیستها در این کشور صورت نگرفت.

اما در مورد تضمینات حکومت کمونیستی در ایران؛

خیلی ساده است اگر بنا به معیارهایی که من برشمردم ، که تنها کلیت مشخصات یک جامعه کمونیستی است، جامعه ای را اداره کرد آنجا دیگر هیچ لزومی بر استبداد و نقض آزادیهای گوناگون وجود نخواهد داشت. اولاً اینکه تضمین رعایت خواسته ها و مطالبات مردم و نقض نکردن حقوق مردم به بدنیتی و خوش نیتی یا وفاداری انسانهای کمونیست به آرمانهایشان خیلی ربط ندارد، به این معنی که در سیستمی که ما می گوئیم اتکا به این نیست که توصیه می کنیم به افراد که به همدیگر ظلم نکنند یا برای مردم تعهد کتبی می نویسیم، بلکه کاملاً بر عکس در این سیستم نوع اداره جامعه و روابط به گونه ای در نظر گرفته شده که ظلمی نمی تواند وجود داشته باشد و خود سیستم به گونه ای است که دست همگان را در ایجاد نابرابری و ظلم و نقض حقوق و آزادیها می بندد، به عنوان مثال مردم حق اداره جامعه را دارند تا جایی که هر فرد خاطی را در هر جا و مکانی می توانند عزل کنند و کسی نمی تواند از تصمیم جامعه تخطی کند. از یک طرف دیگر این نوع حکومتی است که اصلاً فلسفه و انگیزه ای برای ظلم و نقض حقوق و آزادیها نمی گذارد.

تعهد کمونیستها به همین شعاری که به عنوان مثال تو اشاره کرده ای ( آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده) فقط اشاره ای به تاریخ طرح این شعار در ایران و تبدیل آن به شعار عموم مردم به اندازه کافی گویا هست، این شعار به این شکل آزادی سیاسی بدون قید و شرط را ما کمونیستها زمانی طرح کردیم که نه تنها شعار هیچ جریان و جنبشی نبود بلکه جریانات مختلف مدتها در برابر ما ایستادند و از قبول این شعار سرباز زدند و این شعار تنها با تلاش پیگیر ما به یک نرم تبدیل شد، آدم منصف یک بار از خودش پرسد چه لزومی داشت کمونیستها خود را در برابر سیل اپوزیسیون قرار دهند و از این شعار دفاع کنند و آیا واقعا ممکن است که خودشان هم نقض کنند. در ثانی این به نرم جامعه که تبدیل شد دیگر به راحتی نمی توان از جامعه حذف کرد. من در رابطه با تعهد ما به شعارها و خواسته هایمان فقط یک نمونه برایت ذکر می کنم؛ سالهای ۹۴ و ۹۵ میلادی در آلمان اطلاعاتی در مورد افرادی منتشر شد که اینها را بدون دلیل و مدرک به جاسوس بودن متهم می کرد، و تنها جریانی که این را اهانت به شخصیت افراد قلمداد کرد ما بودیم و یادم هست که تشکیلات ما در آلمان همان موقع اطلاعاتی داد مبنی بر اینکه هیچ کس

حق ندارد بدون دلیل و مدرک کسی را متهم کند و باید حرمت و کرامت انسانها را حفظ کرد، ما چرا نتوانستیم مثل همه نسبت به این بی حقوقی ساکت باشیم و از کنارش بگذریم؟ چرانتوانستیم مانند بقیه تا اسم جاسوسی می آید با یک ژست انقلابی و ضد رژیمی به موج برخوردهای غیر معقول پیوندیم؟ .... تنها به این خاطر که معتقدیم حرمت انسانها باید محفوظ باشد و حتی اگر کسی مدرکی بر علیه کسی دارد ارائه دهد و به آزار او در حضور اجتماع نپردازد.

به اصل بحث بازگردم،

اما در مورد مقایسه‌ات با جریان‌ات اسلامی که آنها هم با شعارهایی سرکار آمدند که بعدا نقض کردند، باید بگویم اتفاقا اصلا این طور نیست جریان خمینی با شعار حکومت اسلامی سرکار آمد و آشکارا اذعان می‌داشتند که ما یک حکومت از نوع محمد در ایران پیاده می‌کنیم و همین را هم کرد، در رابطه با شعارهایی که در اوایل انقلاب بود باید بگویم متاسفانه شعارهای به درجاتی خوبی هم که بود اصلا و ابدا مربوط به جریان اسلامی و خمینی و طرفدارانش نبود، اینها شعارهای چپ بدبخت خودکم بینی بود که شعارهای خود را به خمینی نسبت می‌داد و ابدا از دهان هیچ یک از طرفداران حکومت الله این حرفها در نیامد. اما همچنان که گفتم چپی که خود به خمینی به خاطر ظاهر ضد آمریکاییش متوهم بود سعی داشت مردم را قانع کند که به جای حاکمیت مردمی حاکمیت الله را بپذیرند، اینها ایده‌هایی بود که چپ آنموقع، مردم را با آنها پشت سر خمینی بسیج می‌کردند. وگرنه ابدا خمینی و جریان اسلامی به اهداف و گفته‌های اولیه خود پشت نکرده‌اند و الحق از همان روز اول به اسلام و حکومت الله وفادار بودند و کماکان حالا هم هستند.

یک نکته را که آخر سر خالی از لطف نمی‌دانم بگویم این است که آیا به این اندازه که از دیکتاتور بودن کمونیستها حرف می‌زنیم و به آن اندازه که از کمونیستها سند و مدرک و تعهد می‌خواهیم به هیچ جریان دیگری پایبند شده‌ایم، ابدا منظور من سوالات تو نیست و باید بگویم این سوالات و طرح آنها از طرف تو مرا خوشحال کرده، اما می‌خواهم بگویم اینهمه ظلم و بیداد از طرف حکومت‌های سرمایه در دنیا وجود دارد و در جریان است و روزانه این همه مظالم را دنیا شاهدیم برایمان سوال نیست که اگر راستها در ایران به قدرت برسند چه ضمانتی هست که ایران را یوگوسلاوی و لبنان نکنند، یا از این که هست بدتر نشود. این بدبینی به کمونیستها تنها محصول معماری افکار دم و دستگاه بورژوازی است که سعی دارند همه را از کمونیسم بترسانند.

امیدوارم توضیحاتم کمکی باشد برای پیدا کردن جواب سوالاتت، اما توصیه می‌کنم به این بسنده نکن و اگر برایت مقدور بود به آثار منصور حکمت مراجعه کن که خیلی شیوا رسا و روشن و قابل فهم به این

مسائل و مسائل بسیار دیگری جواب می‌دهد. برای دست یابی به آثار منصور حکمت به سایت بنیاد منصور حکمت [www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com) و سایت روزنه [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com) مراجعه کن.

از طرح سوالات بعدیت و ادامه این بحثها خوشحال خواهم شد و امیدوارم همچنان پیگیرانه ادامه بدهی.

**با آرزوی موفقیت برایت قربانت حامد خاکی**

**۱۷ نوامبر ۲۰۰۲**